

در آغوش

طبیعت سیستان

تألیف: بدیل رخسانی

۱۳۹۰



سرشناسه	رختانی، بدیل، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	در آغوش طبیعت سیستان / تکلیف بدیل رختانی.
مشخصات نشر	تهران: افروز، ۱۳۹۰.
مشخصات قلمرو	۱۱۹ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۶۲۵۲-۶۰-۵
وضعیت فهرست نویسی	فها
موضوع	شعر سیمتقی - قرن ۱۱
موضوع	مخبط زیبت - حفاقت
رده بندی کنگره	۱۳۹۰ ۷۲۳/۳ PIR ۳۰۲۲/ص
رده بندی دهلی	۸۵۹/۵۱
شماره کتابشناسی ملی	۲۲۸۶۷۶۷
توزیع درخواست	۱۴۸۹/۱/۲۶
کد پیکرون	۲۲۸۶۲۳۰

عنوان: در آغوش طبیعت سیستان

تألیف: بدیل رختانی

ناشر: انتشارات افروز

چاپ: نقی نزار

طراح جلد: آرش مرادعلی - محمد رختانی

صفحه آرای: مونا رختانی

تعداد صفحات: ۱۱۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: چاپ اول بهار ۱۳۹۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۵۲-۶۰-۵

ISBN : 978-964-6253-60-5

حق چاپ محفوظ است

مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب مقابل دو اصل دانشگاه تهران، نبش فخر رازی، پلاک ۵۵ طبقه اول، واحد ۱
تلفن: ۶۶۴۶۸۸۵۵ - ۶۶۴۹۴۱۴۳ - ۶۶۴۹۴۱۴۳

Email: entesharat_afrooz@yahoo.com

چاپخانه نقی نزار تلفن: ۳۳۱۶۲۰۷۰

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	پیشگفتار.....
۱۱	بخش اول.....
۱۳	صَه یادِ کُلُّ دشتو.....
۷۴	غَلَمی ی باډ.....
۷۷	سیستونی غیر تمند.....
۸۳	بخش دوم.....
۸۵	دلدار.....
۸۶	گل سیب.....
۹۱	مغول دختر.....
۹۲	دلبر شیرین.....
۹۴	لیلا خانم.....
۹۶	دو چشم شوخ.....
۹۹	بخش سوم.....
۱۰۱	سبزه وطنی.....
۱۰۲	شبان و خدای مبین.....
۱۰۵	داغ عاشقی.....
۱۰۸	خداجوی بستی.....
۱۱۰	ماجرای عقب‌نشینی رستم از تهران.....
۱۱۳	بخش چهارم.....
۱۱۵	گریه وحشی و شاییک رضا.....

پیشگفتار

مطابق گزارش جدیدی که توسط آکادمی ایالت متحده انتشار یافته، بهره‌برداری انسان از جنگل‌ها، منابع انرژی و زمین بیش از آن میزانی است که سیاره بتواند سرمایه خود را مورد بازسازی و احیا قرار دهد و روند کنونی به سبب پرمصرفی بشر می‌تواند زمین را به سوی "ورشکستگی بوم شناختی" سوق دهد.

با وجود این واقعیت که روند تخریب زمین هر لحظه شتاب بیشتری می‌گیرد، محققان ابراز امیدواری کرده‌اند که با به کارگیری راه‌حلهایی بتوان این جریان را متوقف کرد. در ارزیابی اثر محیط زیست بر انسان، یک گروه از دانشمندان می‌گویند از بین دخترازی که در شهرها زندگی می‌کنند آن‌هایی که امکان تماشای مناظر طبیعی حتی از طریق پنجره‌های منازل برایشان مهیا است در مقایسه با گروهی که اصلاً با مناظر طبیعی و فضاهای سبز در تماس نیستند، از شانس بهتر و بیشتری برای موفقیت در کارها و تحصیل برخوردارند و می‌توانند ضمن بهره‌مندی از طبیعت سبز، قوه تمرکز خود را تقویت کنند.

دنیای طبیعی سال به سال تغییراتی را پشت سر می‌گذارد بدون آن که وابستگی انسان به این محیط مرتفع شود. برخی از محققان معتقدند که فن‌آوری می‌تواند تجاوز بشر نسبت به طبیعت را کاهش داده و حتی آن را از میان بردارد اما بسیاری از کارشناسان مخالف این نظر بوده و حتی فن‌آوری را عامل تشدید کننده روند تخریب زیست محیطی بشر به شمار می‌آورند.

از آنجا که انسان دارای قوه‌ی تعقل و اندیشه است، تاکنون تصوّر بر این بوده که انسان‌ها اساساً از سایر موجودات متفاوتند. ما احساسی نسبت به خودمان داریم که ارتباط ما را با گذشته و آینده برقرار می‌کند، اما اگر بر این باور هستیم که جانوران به لحاظ فقدان این خصیصه با ما وجه مشترک ندارند آیا این واقعاً ناشی از غرور و جسارت بی‌حدومرز ما نسبت به قبول واقعیّات در مورد جانوران نیست؟ هر چند که تفاوت‌هایی محسوس بین ما و سایر گونه‌ها تفکیک می‌شود اما ملزم هستیم که به تعهدات اخلاقی خودمان در برابر موجودات عمل کنیم. چگونه است که حق کشتن، شکارکردن و خوردن گوشت حیوانات را به خودمان می‌دهیم و در پیش‌برد آزمایشات از آن‌ها استفاده می‌کنیم؟ چطور به خود اجازه می‌دهیم ۱۳۰ گونه از جانوران را از صفحه حیات پاک کنیم با علم به این که دیگر تجدید نمی‌شوند؟ نه، ما چنین حقی نداریم.

بدون تردید چرخه حیات اصولی دارد که هیچ کس حق ندارد لطمه‌ای به آن وارد کند. بر این اساس حفظ محیط زیست به عنوان یک عامل مهم و مؤثر در زندگی بشر و پیوسته‌گی آن با طبیعت و حیات وحش مسأله‌ای است که همواره می‌بایستی از تهدید و تخریب مصون مانده و گزندگی به آن نرسد. رشد جمعیت، توسعه صنعتی و بهره‌برداری از منابع، ستیز بین حیات وحش و انسان را برای حفظ بقا تشدید کرده است چنان که به دلیل نیازهای روزافزون جوامع انسانی جمع‌کثیری از موجودات حیات وحش مستمراً در ایران و جهان منقرض شده و از گردونه حیات به در می‌روند. گزارش تأسفباری در یکی از روزنامه‌ها انتشار یافت با این عنوان که: «سه یوزپلنگ نادر ایرانی در آتش سوختند».

گزارش از این واقعه به عنوان یک فاجعه زیست محیطی یاد می‌کند و می‌افزاید «سه توله یوزپلنگ ایرانی که در آستانه انقراض قرار دارند توسط چوپانی ناآگاه در شهرستان بافق آتش زده شدند».

در بیشتر کشورها، به منظور رفع آلودگی محیط زیست و جلوگیری از تخریب طبیعت علاوه بر فعالیت سازمان‌های مسئول، دوست‌داران و علاقه‌مندان به طبیعت و فضای سبز، داوطلبانه با تشکیل و تأسیس نهادهای خصوصی همت و تلاش خود را برای حفظ محیط زیست به کار گرفته‌اند. این در حالی است که تخریب طبیعت در کشور ما به شدت هر چه تمام‌تر ادامه دارد و مرتباً اخبار نگران‌کننده‌ای از قطع درختان جنگلی و از بین رفتن پوشش گیاهی به گوش می‌رسد. این نابسامانی در حالی ادامه دارد که در پی انقراض نسل گونه‌های نادری از حیات وحش مانند شیر آسیایی و ببر مازندران، اینک نوبت یوزپلنگ آسیایی رسیده است. هر چند که اخیراً چند قلاده از این حیوان نادر، زیبا و منزوی در حاشیه کویر ایران مشاهده شده‌اند.

علی‌ایحال تهدید و انحدام محیط زیست در منطقه سیستان به گونه‌ای دیگر است. دشت سیستان واقع در جنوب شرقی ایران با پیشینه‌ای درخشان و پرآوازه در امر دام‌داری و پرورش گاو اصیل سیستانی و نیز کشاورزی پر رونق خود در زمانی نه چندان دور به عنوان «انبار غله آسیا» زبان‌زد خاص و عام بوده است. شکیبایی، صداقت و سخت‌کوشی مردم خون‌گرم و وجود آثار باستانی «شهر سوخته» با قدمت تاریخی پنج هزار ساله در سیستان از افتخاراتی است که نیاز به توضیح و معرفی ندارد. بدون تردید عمران و آبادانی سرزمین گرم و حاصل‌خیز سیستان، همت بیش از پیش مردان و زنان غیور و دین‌دارش را می‌طلبد اما ذکر

یک نکته مهم ضروری است. شهروندان بومی نیک می‌دانند که اسم سیستان با رودخانه هیرمند و دریاچه هامون عجین است. در یک جمله باید گفت: «سیستان با هیرمند زنده است». به گواه تاریخ، این رودخانه به عنوان شاه‌رگ حیاتی سیستان هرگاه که غرّش‌کنان در این خطه جاری باشد، سرسبزی و طراوت چهار بلوک سیستان به خصوص در ایام نوروز آن چنان دل‌نشین است که بوی خوش زندگی با نغمه و چه‌چه پرستوهای مهاجر و انواع پرندگان زیبا مزین می‌شود. مع‌الأسف خشک شدن بستر رودخانه در مقاطع مختلف و نتیجتاً خشکسالی‌های متوالی به ویژه طی سال‌های اخیر اثرات مخرب و نابودکننده خود را بر جای گذاشته است. آن چه مسلم است با احداث سدّ گجّکی بر روی «هلمند» در خاک افغانستان و قطع گه‌گاه جریان آب در بستر هیرمند، خشکسالی‌های غیر قابل‌جبرانی در منطقه سیستان به وقوع پیوسته است. تشدید بحران خشکسالی طی دهه‌های اخیر در حالی شکل گرفته که گزارش می‌شود ذخیره آب دریاچه سدّ گجّکی با ظرفیت سه میلیارد متر مکعب تکمیل است. بنابراین جلوگیری از جاری شدن آب به سمت ایران با هر غرضی که صورت گرفته باشد، برای مردم سیستان به شدت زیان‌بار بوده است.

به هر صورت خطه‌ی سرسبز و کهن سیستان بر اثر خشکسالی‌های متوالی از یک سو و بی‌توجهی و عدم رسیدگی مؤثر از سوی دیگر به وضعیتی دچار گردیده که دل هر دوست‌داری را به درد می‌آورد. در مجموعه حاضر به قصد تهیج ذوق و علاقه دوست‌داران طبیعت سیستان و نیز حفظ و حراست از محیط زیست منطقه، ماجرایی یک شکارچی قهار که برای صید کردن دست به هر کاری می‌زند، در قالب شعر و به لهجه‌ی زیبای سیستانی توصیف و به نقد کشیده شده است. صیاد «چست و چالاک» فوق که نمونه‌ی بارزی از خیل

شکارچیان است، سرمست از وجود انواع پرندگان، چرندگان و آبزیان موجود در طبیعت بکر سیستان، بی پروا و بی محابا و به وسیله انواع و اقسام ابزار صید وحوش را شکار می کند تا جایی که نابودی و انقراض گونه های نادری از حیات وحش را به همراه دارد.

حیوانات وحشی منطقه سیستان که اینک اسمشان در قصه ها و داستان ها شنیده می شود عبارتند از: آهوی دشت شילה، ماهی آزاد، خروس وحشی (قراول) و یک نوع سوسمار سم بزرگ به نام محلی «بچوش». به هر حال این صیاد بی قرار تحت تأثیر نصایح پیرمردی خردمند، دانا و دلسوز طبیعت، از کردار خود پشیمان می شود لذا بی درنگ از شکار بی وقفه و بی رویه در بیشه های منطقه دست برداشته و با روی کردی سازنده کمر همت به عمران و آبادانی خاک و طبیعت سیستان می بندد هر چند که آیندگان دیگر توفیق آن را ندارند تا گونه های نادر حیوانی و گیاهی مخصوص سیستان را که نابود شدند، ببینند و آفریننده ی زیبایی ها را سپاس گویند.

می دانیم که در فصل گرما، باد معروف و موسمی ۱۲۰ روزه سیستان در جهت شمال به جنوب تقریباً از نیمه های اردیبهشت ماه شروع به وزیدن می کند. بر اثر طوفان خشمگین و تیره و تار، پوشش گیاهی از بین رفته و زمین های مستعد و حاصل خیز به اراضی لم یزرع و بایر تبدیل می شوند. چنین وضعیتی بالاجبار کوچ اهالی را به دنبال داشته و مناطق روستایی وسیعی با قدمت تاریخی چند صد ساله هم چون «سمیع»، «خدنگ» و «کلوخی» (محیط زندگی طوایف جهان تیغ، مرادقلی، کلبعلی، پهلوانی و...) برای همیشه از سکنه خالی و در جوف تاریخ قرار گرفتند.

در چنین وضعیتی، علاوه بر نقصان کشت و زرع و تخریب طبیعت، از نظر بهداشتی نیز مشکلات عدیده‌ای برای اهالی فراهم است. شاید بتوان گفت که در گرمای طاقت‌فرسای «لوار» در این منطقه، وزش باد نعمتی است درخور شکرگزاری و سپاس از خدای لایزال، لکن عدم وجود پوشش گیاهی و در عین حال وزیدن باد یک‌سره و دائمی خساراتی را به دنبال دارد. از یک طرف خاک مساعد را از بین می‌برد و از طرف دیگر چون با گرد و غبار همراه است بهداشت محیط را دچار نقصان می‌کند به نحوی که قشرهایی از شهروندان بومی به انواع بیماری‌های ریوی، چشمی، کچلی و سل مبتلا هستند.

در بعضی استان‌های کشور، تشکل‌های زیست‌محیطی غیردولتی برای حفاظت از محیط زیست شکل گرفته‌اند لذا توصیه ما نیز این است که در خطه سیستان هم دوست‌داران طبیعت گرد هم آمده، ضمن تشکیل «جبهه سبز» مسئولان محلی را در این امر مهم و حیاتی یاری رسانده و دین خود را به سرزمین تابناک زادگاهی ادا نمایند زیرا که در شرایط کنونی با توجه به آن چه فوقاً ذکرش به میان آمد، حفظ سرزمین هویتی هر شرایط مساوی نسبت به سایر مناطق کشور ارجح است. بنابراین سرگذشت شکارچی فوق‌الاشعار بهانه‌ای است برای ذکر این نکته مهم که حفظ طبیعت سیستان برای تداوم زندگی مردم اصیل و خون گرم آن دارای اهمیت حیاتی است.

به امید احیای این سرزمین سرسبز و غرورآفرین

شادزی، مهرافزون- بدیل رخشانی

۱۳۹۰